

نادیده گرفت.

شهرداری در کارآفرینی بستر ساز است، مثلاً برای پارک‌های علم و فناوری، شرکت‌های دانش‌بنیان، حداقل کارش دادن جا و مکان و دسترسی‌های ارتباطی است؛ علاوه بر این شهرداری‌ها خودشان به‌عنوان کسی که خدمات شهری به کل شهر عرضه می‌کند، یک مصرف‌کننده بزرگ هم هستند، از این جهت هم بازیگر بزرگی در اقتصاد شهر محسوب می‌شود.

در حوزه عوارض و مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم دقیقاً می‌تواند بر ساختارهای توزیعی اقتصاد تأثیر بگذارد، مثلاً این که عوارض شهری نسبت به مناطق مختلف پله‌ای و بر اساس تفاوت در مناطق شهری بسته شود، به توزیع درآمد شهری کمک می‌کند؛ شهرداری‌ها می‌توانند گاهی با سیاست‌هایشان و یک تغییر در مبلمان یا چپ‌نشین خدمات شهری، دارایی‌های مردم را ارزش‌گذاری مجدد کنند، مثلاً با احداث یک بیمارستان نزدیک خانه شما، قیمت دارایی‌های شما افزوده می‌شود یا یک بزرگراه که از یک منطقه می‌گذرد، قیمت زمین آن منطقه افزایش پیدا می‌کند، دقیقاً تصمیمات شهرداری‌ها بر ساختار درآمدی، دارایی و توزیع ثروت شهر تأثیر می‌گذارد و می‌تواند پایه عدالت را تضعیف یا تقویت کند.

■ امروزه در جهان ادبیات شهر مقاوم، رایج شده است که به همه ابعاد یک

شهر می‌پردازد، آیا این موضوع قابل تعمیم به اقتصاد شهر در کشور ما هم هست؟

دنیا ادبیات شهر تاب‌آور، شهر پایدار، شهر ضدشکننده و سایر اصطلاحات را به کار می‌برد که ما معتقدیم همه این‌ها در کنار هم بخشی از پایه‌های علمی اقتصاد مقاومتی را شکل می‌دهد، اقتصاد مقاومتی، تاب‌آوری، پایداری، همبستگی اجتماعی، ضدشکنندگی و ثبات است اما این که قابل تعمیم به اقتصاد شهر باشد، به لحاظ روش شناختی هیچ منافاتی و مخالفتی با تئوری‌های علمی ندارد، علاوه بر این دنیا خودش این ادبیات را به شهرها تعمیم داده یا درواقع خودبه‌خود تعمیم‌یافته است، ادبیات resilience به لایه‌های خانوار، فرد، سازمان، شهر و منطقه کاملاً تعمیم پیدا کرده و کاربردی شده است.

■ تاب‌آوری اقتصادی در حوزه شهری در چه حوزه‌هایی تعریف می‌شود؟

تئوری‌ها در این زمینه نظریات مختلفی دارند اما هر کدام به یک بخش می‌نگرد، مثلاً تئوری‌هایی که به vulnerable توجه دارد، بیشتر به اقتصاد فقر شهر و تئوری‌هایی که به Solidary توجه دارند، بیشتر به روابط اجتماعی و همبستگی‌های اجتماعی توجه می‌کنند یا تئوری‌هایی که به مقولات Stability و پایداری شهر توجه می‌کنند، به ابعاد زیست‌محیطی و اکولوژیکی اهمیت می‌دهند. بعضی از تئوری‌ها مثل پپیلز، مدل چند

رشته‌ای محسوب می‌شود که هم به ساختارها و پویایی‌های جمعیتی، هم به ساختارهای ارزشی و اجتماعی و هم به زیرساخت‌های ارتباطات و اقتصاد توجه می‌کند، اینکه بین این مدل‌ها اولویت‌گذاری بخواهیم بکنیم، شاید کار درستی نباشد، شهر می‌تواند هم از لحاظ زیرساخت‌ها و هم از بعد جمعیتی آسیب‌پذیر باشد. با این حال آسیب‌پذیری یک شهر، چند مؤلفه دارد که یکی از آن‌ها، انسان است، شهر ساخته شده از انسان، محیط فیزیکی و محیط طبیعی، بین این سه قطعاً انسان مهم‌ترین است، پس آسیب‌پذیرترین نقطه شهر جایی است که انسان وجود دارد، چه ابعاد روانی، چه اجتماعی، چه اقتصادی، همان‌طور که می‌بینید سیاست‌های اقتصاد مقاومتی هم خودش چندوجهی است.

■ کدام یک از نقاط آسیب‌پذیر یک شهر، بخصوص برای شهرداری‌ها باید مورد توجه و اولویت بیشتر باشد؟

شهر به ما هو شهر ابعاد عمومی دارد، بخش‌های کلی که گفتم به شهرهای ایران هم قابلیت تعمیم دارد، با این حال شهرهای ایران هم همگن نیستند و خیلی از چیزها که برای یک شهر ضعف است، شاید برای شهر دیگر نقطه قوت باشد، مثلاً اگر قرار باشد شیراز در یک بازه زمانی کوتاه ۲ میلیون زائر مثل مشهد داشته باشد، شاید یکی از عوامل شکنندگی‌اش باشد اما همین برای اقتصاد مشهد یکی از عوامل استحکام و مقاوم کردن شهر مشهد است، البته به مدیریت شهری الاستیک و منعطف هم بر می‌گردد که چنین ظرفیتی را ایجاد کرده است. این که اقتصاد مشهد، به خاطر چنین حجمی از زائر نمی‌شکند، برای شهرهای بزرگ دنیا یک پدیده قابل‌تئوریزه کردن است یا حتی تهران که چند میلیون نفر صبح از کرج وارد و عصر از آن خارج می‌شوند، بنابراین شهرهای ایران همگن نیستند اما ویژگی‌های هر شهر را می‌توان لحاظ کرد، مثلاً زیرساخت‌های تبریز با شیراز قابل‌مقایسه نیست و بایستی جداگانه لحاظ کرد، به هر حال این مسئله، کارهای علمی میدانی می‌خواهد که از بین مؤلفه‌های مختلف، وزن هر کدام را مشخص کنیم.

دنیا ادبیات شهر تاب‌آور، شهر پایدار، شهر ضدشکنندگی را به کار می‌برد، همه این‌ها در کنار هم بخشی از پایه‌های علمی اقتصاد مقاومتی را شکل می‌دهند، اقتصاد مقاومتی، تاب‌آوری، پایداری، همبستگی اجتماعی، ضدشکنندگی و ثبات است و قابل تعمیم به اقتصاد شهر می‌باشد و منافاتی با آن ندارد

■ ظرفیت‌های مدیریت شهری برای پیاده‌سازی اقتصاد مقاومتی

چیست؟

ظرفیت‌های متعارف را از بودجه‌ریزی تا برنامه‌ریزی کلان می‌توان دید، ابزارهای حکمرانی و مدیریت شهری همه‌شان ظرفیت پیاده‌سازی اقتصاد مقاومتی را دارند و نمی‌توانیم این‌ها را از هم جدایشان کنیم.

■ موضوع اقتصاد مقاومتی با آنکه امری عقلانی است، اما در یک سال اخیر مورد توجه و توافق مدیران کشوری و شهری قرار گرفته است اما در مورد اجزای آن و شیوه‌های نظارتی تحقق آن، توافق نظر وجود ندارد، با این مسئله موافق هستید؟

بخشی از این که توافق نظر وجود ندارد، متأسفانه ناظر بر تعامل نخبگان جامعه خودمان است، همیشه این مثال را می‌زنم که وقتی در دنیا «تئوری پایداری» مطرح شد، این گونه نبود که پنج یا ده سال بعد هم اساتید اروپایی و آمریکایی هر کدامشان یک تئوری برای پایداری بدهند، وقتی تئوری آمد و استادی نظری داد و در اسرع وقت به توافق رسیدند، بقیه هم قبول می‌کنند و سراغ اجرایی شدن آن می‌روند. در ایران شاهدیم در هر بحثی توافق و اجماع نظر اتفاق نمی‌افتد و در جامی‌زند، بلایی که بر سر اقتصاد مقاومتی و سایر کلیدواژه‌های انقلاب اسلامی مثل دانشگاه اسلامی آمده، بر سر کدام تئوری غربی آمده است؟ ما هنوز در تعداد نظرهای مفهومی و اغتشاش مفاهیم گیر کرده‌ایم. چرا وقتی حکمرانی خوب در غرب مطرح می‌شود، هیچ کس بازی حکمرانی خوب را به هم نمی‌زند؟ در غرب فقط یک تئوری در این زمینه داریم، کسی هم اگر تعریف دیگر دارد با این اسم مطرح نمی‌کند، مثلاً به جای حکمرانی خوب می‌گوید حکمرانی شایسته. در ایران عده‌ای اقتصاد مقاومتی را تئوریزه کردند، رهبری هم سیاست‌هایش را ابلاغ کرد، هنوز همه اجرایی نشدن آن را به دلیل عدم اجماع و توافق مفهومی در بین نخبگان توجیه می‌کنند، در حالی که توافق مفهومی هیچ‌وقت به سرانجام نخواهد رسید! نخبگان بایستی به سیاست‌های ابلاغی برگردند و به آنچه در ادبیات علمی دنیا بحث شده استناد کنند، اگر نوآوری جدیدی هم دارند، با اسمی جدید مطرح کنند،